

مؤلفه‌های شاخص کالبدی معماری بومی شهر اصفهان در طراحی معماری نوین بر اساس رویکرد طبیعت‌گرایانه (نمونه موردی میدان نقش جهان)

چکیده

وجود عوامل متعدد در معماری نوین، دگرگونی‌ها و مشکلاتی را همچون عدم توجه به عناصر فرهنگی، تاریخی و سنتی در معماری بومی با خود به‌همراه آورده است. از این‌رو، معماری نوین در برقراری ارتباط با معماری بومی سعی در اجرای فضایی دارد که از یک‌سو، توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه را داشته باشد و از طرف دیگر با تغییر فضا، مکانی به دور از الگوهای اولیه و سنتی را ایجاد نکند. اما همچنان این تغییرات مشکلاتی در بافت تاریخی و عناصر کالبدی فضاسازی طبیعت‌گرایانه ایجاد کرده و اکثر آن‌ها با رویکردهای جدید و بیانی نوگرایانه به‌وجود آمده‌اند. از آنجایی که میدان‌ها، نقش یک فضای جمعی را در بافت شهر ایفا می‌کند، ضرورت دارد که با تمرکز بر معیارهای اقلیمی ایده‌های اجرایی با فناوری نوین مبنایی پایدار و سازگاری داشته باشند. وجود خوانش‌های مختلف در معماری نوین که منتج به آفرینش جدیدی می‌شود باید مبتنی بر برداشت یا ارجاع از معماری تاریخ و فرهنگی باشد تا موجب شکل‌گیری طرح‌های نوین گردد و راه رسیدن به هدف اصلی را ایجاد کند. در این پژوهش با مطالعات اسنادی و روش تاریخی - تحلیلی بر رویکردهای طبیعت‌گرایانه در معماری بومی میدان نقش جهان اصفهان سعی شده است تا تأثیرات معماری نوین بر این سازه مورد مذاقه قرار گیرد؛ با بررسی عناصر طبیعت‌گرا از جهات مختلف، یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگی‌های معماری بومی و نوین در میدان نقش جهان با پایداری مسائل اقلیمی و فرهنگی در کنار هم و با کاربرد عناصر نوگرایانه‌ای که برخی از فضاها محدود شده‌اند؛ همچنین طرح‌های اجرایی از پیشینه فرهنگی غنی برخوردار نیستند. این تغییرات، وابسته به شرایط زمانی و مکانی شکل گرفته‌اند و به‌نوعی هویت و سرزندگی فضای جمعی میدان را روبه‌انزوا و تنزل برده‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت عناصر معماری تاریخی در میدان نقش جهان اصفهان، با رویکردهای طبیعت‌گرایانه.
۲. شناسایی تأثیرات معماری نوین بر میدان نقش جهان اصفهان.

سوالات پژوهش:

۱. عناصر معماری تاریخی در میدان نقش جهان اصفهان، چگونه با رویکردهای طبیعت‌گرایانه و روح معماری نوین ارتباط برقرار کرده است؟
۲. بازآفرینی معماری نوین در میدان نقش جهان اصفهان چه آفرینش جدیدی را به وجود آورده است؟

کلیدواژه‌ها: معماری بومی، میدان نقش جهان، معماری نوین، عناصر کالبدی طبیعت‌گرا.

مقدمه

بشر در طول تاریخ، همواره به دنبال ایجاد جذابیت شهری در میادین و فضای عمومی بوده است و سعی داشته با وجود اسلوب و مهارت‌های فنی، فرهنگی و اجتماعی مکانی در جهت تجمع و انجام فعالیت‌های اجتماعی افراد جامعه به وجود آورد. توجه به میادین شهری این امکان را فراهم می‌کرد تا مردم بتوانند در هر فرصتی گرد هم آیند و از تجربیات یکدیگر لذت ببرند و موجب ادراکی مشترک میان افراد شود. در این تئوری به مطالعه مؤلفه‌های شاخص کالبدی معماری بومی شهر اصفهان براساس رویکرد طبیعت‌گرایانه در طراحی معماری نوین پرداخته می‌شود. آنچه از شهر اصفهان مد نظر است، میدان نقش جهان می‌باشد که با داشتن فضای عمومی در گذشته زمینه معاشرت و تعاملاتی اجتماعی - فرهنگی بسیار بوده است. از این رو، در این فضای باز شهری در ابتدا معماری عامیانه، بومی، معماری سنتی، معماری بی‌تکلیف، معماری بدیه‌ساز و ... زاده شده است و آنگاه معماری غنی‌شده، معماری متکی بر قانون‌مندهای شکل‌ها و کاربردها، معماری تشریفاتی و یا به عبارتی، همه‌گیر و جهانی معماری کلاسیک پا به عرصه وجود نهاد (فلامکی، ۱۳۸۴: ۳۰). پس در طول دوره‌های مختلف تاریخی، معماری بومی و سنتی در میدان نقش جهان اصفهان همواره از شاخصه‌های جریان معماری نوگرایانه بی‌تأثیر نبوده است. به طوری که استفاده آگاهانه و به روز کردن معماری بومی با توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی در جهت رسیدن به یک پایداری محیطی بتوان از آن دست یافت. وجود این مؤلفه‌های کالبدی از دوره صفویه در میدان وجود داشته که از دوره قاجار و سپس دوره پهلوی دچار تغییراتی بر عناصر طبیعت‌گرا و کاربردی در میدان شد؛ ولی تا به امروزه این فضایی شهری سرزنده در طول این سال‌ها با وجود معماری و تکنولوژی‌های جدید به مکانی متفاوت مبدل شده است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی تغییرات ایجاد شده بر رویکردهای طبیعت‌گرایانه میدان نقش جهان اصفهان می‌باشد تا با تحلیل وجوه مشترکات و تفاوت‌ها مؤلفه‌های کالبدی که از معماری بومی به نوین تغییر وجه داشته‌اند و با استفاده از تکنولوژی نوین ساختاری متفاوت یافته‌اند را مورد مطالعه قرار داد.

یکی از ارزش‌ترین مجموعه‌های میادین در دوران پس از اسلام میدان نقش جهان است که از زیبایی و عظمت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. وجوه شکوه و یگانی معماری بومی در این میدان باعث شده که تا مطالعات مختلفی در جهت مباحث سبک‌شناسی و تاریخ‌نگاری صورت گیرد. براساس مطالعات انجام گرفته تاکنون پژوهش‌های مرتبط با تحول عناصر و مؤلفه‌های کالبدی که در طول دوره‌های مختلف انجام نگرفته است. اما در راستای بافت تاریخی و فرهنگی و معماری بومی به تعدادی از پژوهش‌های اشاره می‌شود: در مقاله، شهابی‌نژاد و امین‌زاده (۱۳۹۱) با عنوان: «منظر ورودی میدان نقش جهان اصفهان؛ ارزش‌ها و مسئله‌ها» به ویژگی‌های ورودی میدان در طول تاریخ پرداخته می‌شود و فضای میدان را از لحاظ کارکردی و معنایی براساس ارزش‌های بصری مورد بررسی قرار داده‌اند. در مقاله رضایی و سجاد (۱۳۹۳)، تحت عنوان: «افزایش حضور پذیری در فضاهای باز عمومی (مقایسه تطبیقی میدان سن مارکو ونیز و میدان نقش جهان اصفهان» به تجمع‌پذیری و سرزندگی میدان‌ها پرداخته شده و به نوعی زندگی اجتماعی

و نیازهای عمومی در هر کدام بررسی شده‌اند. همچنین آقابزرگ و متدین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «خاستگاه نظری میدان نقش جهان» به شناخت معنایی و عناصر راهبردی که در طراحی میدان ارائه شده است می‌پردازند و در همین راستا به استفاده هندسه ایرانی، محصوریت و وجود باغ ایرانی و حتی نقش مذهبی و تجاری که موجبات برپایی میدان را مهیا کرده است، مد نظر قرار داده‌اند. در مقاله شهبابی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان: «مقیاس انسانی در میدان نقش جهان» نویسندگان به فضای شهری در میدان می‌پردازند که با تأکید بر جنبه‌های ادراکی فضا و نحوه ادراک آن توسط بیننده، ابعاد و وسعت واقعی در میدان نیز بررسی شده است. در مقاله‌ای مشترک توسط برخوردار و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان: «بازخوانی نقش هویت اجتماعی در ساخت فضای جمعی (نمونه مورد مطالعه: میدان نقش جهان اصفهان به مثابه فضای جمعی عصر صفوی)» به معماری فضای جمعی که موجب مقبولیت اجتماعی را فراهم نموده، توجه شده است؛ همچنین عوامل سیاسی و فرهنگی دخیل در جهت یکپارچگی دینی و فرهنگی این فضا نیز مورد توجه قرار داده شده‌اند. زرین و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «اصول تطبیقی معماری پایدار بناهای مسکونی بومی در اقلیم‌های خشک ایران» عوامل مؤثر در اقلیم خشک جهت توسعه پایدار را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

نقطه افتراق پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده در این است که در این نوشتار موضوع طبیعت، فرهنگ و مکان با رویکرد معماری نوین قابل بررسی می‌باشد و سعی شده با استخراج پتانسیل‌هایی که مبتنی بر رابطه ویژگی‌های بومی و سنتی و عناصر معماری نوین نیز در رویکردهای طبیعت‌گرایانه دخیل شده‌اند و آسیب‌های جدی به ویژگی تاریخی و فرهنگی میدان نقش جهان صورت گرفته را مورد تحلیل و بازبینی قرار داد. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تاریخی محسوب می‌گردد. روش گردآوری اطلاعات لازم اسنادی است. در این پژوهش، از مجموعه بناهای بومی شهر اصفهان، میدان نقش جهان به صورت هدفمند انتخاب و مطالعه می‌شود. در این پژوهش، فضای معماری متفاوت و تأثیرگذار بر رویکردهای طبیعت‌گرایانه میدان از نظر تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد و کارکرد معماری بومی این عناصر کالبدی را متعدد که از دوره صفویه تا به امروز در طی رویدادهای و وقایع بر بنای معماری و فرم و فضای پیرامون آن تأثیر گذاشته‌اند بررسی می‌گردد.

در گذر زمان، عوامل متعددی از جمله؛ اقلیم، اقتصاد، جمعیت و تشکیلات شهری، فرهنگ، مصالح بومی و ... بر یک بنای بومی تأثیر خواهند گذاشت؛ این عوامل هم‌زمان با جریانان معماری مدرن در دوران اخیر دچار تحولات شده‌اند و با وجود برخی از جنبه‌های کاربردیشان به یک مجموعه سازماندهی شده، اطراف فضای میدان را در بر گرفته‌اند. بنابراین، بررسی چالش‌های ایجاد شده بر عناصر کالبدی در میدان که در پی ظهور و سقوط تمدن‌ها و حکومت‌ها و سیاست‌های آن‌ها امری است، بسیار مهم که در پی آن باعث تغییر شکل طبیعت پیرامون آن می‌باشد. کنش‌های انسانی در جهت ایجاد یک محیطی برای آسایش و رفاه در طی زمان قابل توجه بوده و گاه از هویتی تاریخی برخوردار نمی‌باشند. از این‌رو، وجود عوامل معماری مدرن و تأثیرگذار بر شکل کالبدی و کارکردی این فضا به‌عنوان یک مکانی

دارای هویت تاریخی با وجود اثرات مثبت و تأثیرات جهانی ولی زوال هویت و بی‌مکان شدن این مکان را ایجاد کرده و وجوه قدمت تاریخی آن را رو به زوال برده است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رابطه انسان با معماری بومی که تلفیقی از عناصر طبیعی دست‌ساخته‌های بشری می‌باشد؛ به‌مثابه یک متن با رویکردهای مدرن تغییر هویت پیدا کرده است و معماری در جهت تعامل با پیوند اجتماعی شهر و مخاطب، فضایی در چهارچوب متناسب با آن ویژگی تاریخی و فرهنگی در معانی جدید بازآفرینی شده است؛ به‌طوری‌که با ورود معماری نوین تنش میان فرهنگ و طبیعت به‌وجود می‌آید که از کیفیت‌های پایداری برخوردار نیست و در نتیجه منجر به ایجاد مکان‌های نامطلوب یا به بیانی دیگر نامکان می‌شود. از این رو، تعامل مسالمت‌آمیز مؤلفه‌های معماری بومی و نوین در جهت دستیابی به محیطی پایدار نمی‌گردند و حتی با عوامل و جنبه‌های اولیه آن دارای افتراق بسیار می‌باشد ولی به هر حال در آن مکان نفوذ می‌کند و خود را در عناصر معماری پابرجای آن محیط نمایان می‌سازد. با بررسی دوره‌های مختلفی که بر معماری و ویژگی‌های عناصر کالبدی میدان نقش‌جهان تأثیرگذار بودند، دیده شد که همواره از دوره قاجار و پهلوی، آن هویت و سرزندگی در فضای باز و اجتماعی میدان نقش‌جهان کاسته می‌شود و بار دیگر در دوره دوم پهلوی و جمهوری اسلامی ارتقا یافته است و در کل با وجود تأثیرات معماری نوین بر این فضای بار دیگر آن هویت اولیه به چشم نمی‌خورد. فضای باز میدان با وجود تغییرات متفاوتی که در بخش‌های عمده میدان ایجاد می‌شود که از آن جمله در دوره پهلوی شاهد مسیرهای آسفالتی برای حرکت ماشین‌ها ایجاد می‌شود که البته وجود این قسمت از دوره قاجار کمابیش وجود داشت ولی این ویژگی با طراحی محوطه‌های فضای سبز و حوض وسیعی در قسمت پارک مانند میدان جلوه‌گری دیگر نسبت به دوره صفویه در میدان جلوه دیگری به آن بخشیده است. عمده‌ترین تغییرات که در فضای میدان از اواخر دوره صفویه تا امروزه ایجاد شده می‌توان به مواردی اشاره کرد: ۱. افزایش توجه به سطوح و فضای سبز که از اواخر دوره قاجار طرح‌ریزی و اجرا شد؛ ۲. اضافه کردن برخی از وسایل مدرن همچون نیکمت، تلفن عمومی، تیرهای چراغ برق و روشنایی و... استفاده شده است؛ ۳. تغییر در وضعیت ساختاری فضای باز میدان کم‌کم جنبه تزئینی پیدا کردند و هیچ‌گونه ارتباطی با شبکه اجتماعی و حقیقت فضای تاریخی میدان ندارند که اعمال این ویژگی‌های مدرن تا بعد از انقلاب نیز انجام شده‌اند و با این که ورود وسایل نقلیه در آنجا محدود شده ولی نیاز افراد پیاده‌رو در جهت هماهنگی با دیگر تغییرات قابل بازنگری و هماهنگ‌سازی با محیط را ایجاد می‌کند؛ ۴. تبدیل شدن کل فضای میدان به جنبه‌های تزئینی گل و گیاهان و درختان باعث شده که قابلیت ارتباط اجتماعی‌پذیری و ویژگی‌های تاریخی و اصلی آن کاسته شود و این محیط با جریانات معماری مدرن تبدیل به پارک و بوستان شده باشد و شاخصه‌های مهمی که از لحاظ اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در میدان به کار برده شده، روبه زوال بروند؛ ۵. در روزگار گذشته فضای باز میدان به انجام و برگزاری مراسم نمادین و آیینی هماهنگ بود ولی امروزه جای خود را به غرفه‌های دستفروشی و بازی اسکیت و... داده‌اند و همچنین عملکرد بخش شمالی که مرتبط با غرفه‌های پذیرایی بودند را بار دیگر با ویژگی معماری نوین به کار برده شده در میدان، بتوان احیا کرد. بنابراین، با

تغییراتی مدرنی که میدان نقش جهان با آنها روبه رو شده است از لحاظ زیباشناسی، معناشناختی و قابلیت‌های میدان هماهنگ‌سازی نشده‌اند. براساس معماری نوین سازماندهی فضای طبیعت‌گرای به کار برده شده ساختاری با فرمتی برون‌گرا به خود گرفته است. ولی این مکان با داشتن اهمیت جاذبه گردشگری و وجود نظام‌های فعالیتی و سرزندگی با وجود شرایط اقلیمی موجب می‌شود که با کاهش فضا و عناصر کالبدی طبیعت‌گرا، فضایی با کیفیت‌های بصری و کاربردی فراهم و بار دیگر با وجوه فرهنگی پیشین بازآفرینی گردد.

منابع

- آقابزرگ، نرگس؛ متدین، حشمت‌اله. (۱۳۹۴). "خاستگاه نظری میدان نقش جهان". مجله باغ نظر، شماره ۳۳، ۴۰-۲۳.
- آهویی، صادق و همکاران. (۱۴۰۰). «بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌ساز». مطالعات هنر/اسلامی، شماره ۴۱، ۹۱-۷۴.
- اولثاریوس، آدام. (۱۳۷۹). سفرنامه آدام اولثاریوس: بخش ایران. ترجمه: احمد بهپور، تهران: ابتکار.
- ایوبی، رضا. (۱۳۷۷). امکان‌سنجی احیای میدان نقش جهان با توجه به وضع موجود و گذشته تاریخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده پردیس، دانشگاه هنر اصفهان.
- بازرگان ونیزی. (۱۳۴۹). سفرنامه‌های ونیزان به ایران (شش سفرنامه). ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- برخوردار، بابک؛ زارع، لیلی؛ مختارباد امرئی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). «بازخوانی نقش هویت اجتماعی در ساخت فضای جمعی (نمونه مورد مطالعه: میدان نقش جهان اصفهان به مثابه جمعی عصر صفوی)». منظر، شماره ۵۶، ۴۳-۳۰.
- بخشی بالکانلو، عادل؛ مولانایی، صلاح‌الدین و بایزیدی، قادر. (۱۳۹۹). «معیارهای زیبایی‌شناسی سازه‌های معماری نوین در کشورهای درحال توسعه با تاکید بر معماری بیونیک». هنر/اسلامی، شماره ۳۹، ۸۷-۷۶.
- بماینان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت (۱۳۸۹). «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳، ۵۵-۶۸.
- بنه‌ولو، لئوناردو. (۱۳۸۹). تاریخ شهر. ترجمه: پروانه موحد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حاجیلو، زهرا. (۱۳۸۴). "نقش اصول معماری بومی در تحقق معماری پایدار". همایش ملی معماری و شهرسازی ایران، یزد.
- دادخواه، مهدیار. (۱۳۹۸). گذری در گستره معماری بومی، تهران: نشر فضا.
- دالمانی، هانری‌رنه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه: علی محمد فرهوشی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر دلاواله. ترجمه: شجاع‌الدین شفا، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۸۷). تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول، اصفهان: انتشارات فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- رضایی، پریسا؛ سجاد، ریحانه السادات. (۱۳۹۴). "افزایش حضورپذیری در فضاهای باز عمومی (مقایسه تطبیقی میدان سن مارکو ونیز و میدان نقش جهان)". فصلنامه توسعه پایدار شهری، شماره ۳، ۸۰-۶۹.

زرین، لایلا و همکاران. (۱۴۰۰)، "اصول تطبیقی معماری پایدار بناهای مسکونی بومی در اقلیم‌های خشک ایران".
مجله مطالعات هنر اسلامی. شماره ۱۴، ۱۱۴-۹۹.

شاردن، ژان. (۱۳۴۵). سیاحتنامه شاردن. ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

شهری شهروندان". مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، شماره ۱، ۳۳-۴۵.

شهابی‌نژاد، علی؛ امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۱). "منظر ورودی میدان نقش جهان". نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۷، ۳۰-۱۷.

فتحی، حسن. (۱۳۸۲). ساختمان‌سازی با مردم. ترجمه: علی اشرفی، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر.

فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۴). معماری بومی، فضایی ناشناخته در مجموعه نوشتارهای معماری بومی. تهران: انتشارات فضا.

فلاندن، اوژن. (۱۳۹۴). سفر به ایران: تصویری از ایران دوره قاجار. ترجمه: عباس آگاهی، اصفهان: انتشارات نقش مانا.

کمپفر، انگلبرت. (۱۳۵۰). سرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.

کلانتری خلیل‌آباد، حسین و همکاران. (۱۳۹۵). "فناوری‌های بومی و معماری همساز با اقلیم"، نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی. شماره ۱، ۶۵-۷۹.

اطلاعات و ارتباطات شهرداری.

مفیدی، سید مجید؛ فاضلی، مهدی و فلاح، الهام. (۱۳۹۳). "الگوهای چیدمان فضا در بناهای آموزشی همساز با اقلیم معتدل و مرطوب Cf". مجله معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷، ۸۳-۹۴.

مولانایی صلاح‌الدین و سلیمانی، سارا. (۱۳۹۵). "عناصر با ارزش معماری بومی منطقه سیستان، بر مبنای مؤلفه‌های اقلیمی معماری پایدار". باغ نظر، شماره ۴۱، ۵۷-۶۶.

مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه: فرشاد نوریان، تهران: انتشارات سازمان فناوری موریه، جیمز. (۱۳۸۶). سفرنامه، سفر یکم: از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه ۱۸۰۸-۱۸۰۹ میلادی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.

یعقوبی، حسین. (۱۳۸۳). راهنمای سفر به استان اصفهان. تهران: انتشارات روزنه.

Moore, K. (۲۰۱۱). Nature Culture. In Mostafavi, Mohsen. & Doherty, Gareth. Ecological Urbanism. Harvard University- Graduate School of Design Press.

Wylie, J. (۲۰۰۷). Landscape. Routledge.

URL^۱: <https://gardeshgari۷۲۴.com/attractions.۱۴۰۰/۷/۲۰>